

ترجمه پژوهی قرآنی

نوشته: حسین عبدالرؤف

ترجمه و تعلیقات: بهاءالدین خرمشاهی

مقدمه مترجم

از خوانندگان فرهیخته اجازه می‌خواهم، بی‌هیچ قصد ریا و سمع‌ای، اشاره‌ای کوتاه به عمده تلاشهای قرآن پژوهانه خود عرضه بدارم. امید است با ۴۵ سال انس مداوم با آخرین وحی نامه الهی، و بیش از بیست سال تحقیق و ترجمه و تألیف در این زمینه حداقل بضاعت لازم را خداوند سبحان نصیب فرموده باشد. این جانب تحصیلات عالی در علوم قرآنی ندارم، اما به جبرانش از آرا و درک محضر و خودآموزی نزد آثار بزرگان قرآن‌شناس، در این چند دهه، شاید حتی یک هفته تن نزده و تن آسانی نکرده باشم: رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود از اوان ایام تکلیف در نزد پدرم، شادروان میرزا ابوالقاسم خرمشاهی، که مردی خوب خواننده و سخت کوشیده و استاد دیده و قریب الاجتهاد، در محضر بزرگانی چون شادروانان آیت الله آخوند ملا علی معصومی همدانی (والد ماجد دوست فرزانه ام‌آقای دکتر حسین معصومی همدانی)، آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی که استاد حکمت و علوم معقول حضرت امام خمینی - اعلی الله مقامهما - هم بودند، و حکیم هیدجی و ۱۱ استاد بزرگ مرتبه دیگر معارف معقول و منقول خوانده بود و اجازه روایت حدیث داشت، و اگر در بند این مسائل بود، پایه و مایه کسب اجازه اجتهاد هم داشت، مشکلاتی را که در فهم معانی

ترجمه پژوهی قرآنی ۱۰۷ □

مفردات و ترکیبات و عبارات و تعبیرات قرآنی داشتم، عرضه می‌کردم و ایشان با آنکه ذاتاً صبور نبود، اما در کار و بار علم و آموزش (به معنای لازم و متعدی) کوشا بود و دستم بگرفت و پا به پا برد. برای پاسخ به پرسشهای من به واژه‌نامه‌های قرآنی چون مفردات راغب، الدر النظیم و بیش از همه مجمع البحرین طریحی قاموس فیروز آبادی و تفسیرهای مجمع البیان، غرائب القرآن و رغائب الفرقان معروف به تفسیر نیشابوری و تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی و اخیراً المیزان علامه طباطبایی - نور الله مضجعه الشریف - و آثار نحوی قرآنی و به ویژه مغنی اللیب ابن هشام مراجعه می‌کرد و آثار دیگر به فراخور موضوع و ماهیت سؤال.

استاد دیگرم در اوایل دههٔ چهل، شادروان استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی بود، که وصف «فرید عصر و وحید دهر» برازندهٔ او بود. شرح کلاس درس او را در زندگینامهٔ خودنوشتم به نام فرار از فلسفه آورده‌ام. استاد قرآن شناس دیگرم حضرت آیت الله ابوالحسن شعرانی بود که در حیات طیبهٔ خویش بیش از شصت قرآن را برای چاپ مقابله و تصحیح کرده و نیز چند تفسیر را و بسیاری از امتهات متون کهن را. محضر ایشان را هم همزمان با استاد بدیع الزمانی در اوایل دههٔ چهل به مدت یک سال درک کردم با آنکه درس ما با ایشان فلسفهٔ اسلامی بود (و یک روز مرا شاد و شرمنده کردند و فرمودند بهترین نمرهٔ کلاس را گرفته‌ای و از همین راه و رشته‌ها که در پیش گرفته‌ای، خارج مشو) و بحمد الله تا حدود زیادی امر ایشان را اطاعت کرده‌ام.

سپس مطالعه و مقابلهٔ هر روزه ترجمه‌های قرآنی را پیشه کردم که هنوز هم ادامه دارد. در این مدت یازده کتاب قرآن پژوهانه و بیش از ۴۰۰ مقالهٔ قرآنی نوشته یا ترجمه کرده‌ام. کتابها را فقط نام می‌برم. ۱) تفسیر و تفاسیر جدید که به عربی و اردو هم ترجمه شده است ۲) فرهنگ موضوعی قرآن / الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم که بدنه و زبان اصلی متن این فرهنگ یا فهرست - که با همکاری دوست و استادم جناب کامران فانی فراهم شده - به عربی است با ارجاعات فارسی و یک مؤلف لبنانی بر اساس آن تا بیش از ۹۰ درصد، فهرست موضوعی قرآنی ساخته، که حجمش ۲ - ۳ برابر حجم کتاب ماست و آن ناشی از این است که ما نام سوره‌ها و شمارهٔ آیات را در جلوی مدخلها آورده‌ایم و او خود نصوص آیات قرآن را آورده است. ۳) ترجمهٔ قرآن کریم، با توضیحات و واژه‌نامه و مقالات پیوستی (از جمله در معرفی قرآن و علوم قرآنی، تحریف ناپذیری قرآن، فهم قرآن با قرآن با بیش از ۲۰ مثال واقعی، کلمات فارسی در

قرآن و غیره) این ترجمه در سه قطع دیگر هم، ناچار با حذف توضیحات تفسیری که در حدود ۴۰۰۰ یادداشت کوچک = حداکثر نیم صفحه بزرگ = ۲ صفحه قطع وزیری است، چاپ شده و روی هم در ظرف ۸ سال که از نشر اول آن می‌گذرد، ۱۳ چاپ در بیش از ۱۳۰ هزار نسخه داشته است. گفتنی است که بر این ترجمه تا سال پیش که برای ویراست دوم (ویرایش ششم = با شش ویرایش که بر آن اعمال شده بود) آماده می‌کردم، بیش از ۷۰ انتقاد که عمدتاً در نشریات قرآنی (بینات، پژوهشهای قرآنی، وقف میراث‌جاویدان) یا نشریاتی چون سلام و اطلاعات چاپ شد، دریافت داشتم. بعضی که نمی‌خواستند چاپ کنند، به صورت دستنویس برایم فرستاده بودند که از یکایک این بزرگواران منتقد، با ذکر نام شریفشان و اشاره کتابشناختی در پیگفتار ویراست چهارم تشکر کرده و از هر کدام به فراخور سطح علمی هر یک در تنقیح ترجمه خود بهره برده‌ام.

۴) قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی) ۵) قرآن شناخت: بحثی در فرهنگ آفرینی قرآن. ۶) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی در دو مجلد در قطع وزیری با حروف ۱۱ ریز دو ستونی با کتابشناسی و نام مؤلف در پایان هر مقاله. مؤلفان ۱۷ نفر هستند. در حدود ۲۵۰ مقاله از مقالات کوتاه این اثر را علاوه بر ویراستاری و کوششگری در تدوین کل اثر، خودم نوشته‌ام. ۷) حافظ و قرآن (شامل چهار مقاله که سپس با افزایش ۳ مقاله دیگر در آغاز کتاب حافظ حافظه ماست چاپ و تجدید چاپ شده است).

۸) قرآن و مثنوی: فرهنگواره تأثیر قرآن در ابیات مثنوی، با همکاری دوست دانشمندم آقای مهندس سیامک مختاری که حافظ قرآن است. در این اثر (نشر قطره، ۱۳۸۳) تأثیر بیش از ۴۰۰۰ آیه و عبارت قرآنی در بیش از ۳۰۰۰ بیت یا مصرع مثنوی نشان داده شده. ترجمه آیات و عبارات قرآنی هم آمده است و در پایان دو فهرست آیات قرآنی و ابیات مثنوی آمده است که راهگشاست.

۹) ترجمه مقدمه بر ترجمه قرآن، اثر ریچارد بل R. Bell اسلام شناس بزرگ اسکاتلندی و صاحب یکی از ترجمه‌های معتبر قرآن کریم به انگلیسی که این کتاب را بعداً با فراهم کردن یادداشتهای و درسنامه‌هایش تدوین کرد. شاگرد ارشد او و هموطنش مونتگمری وات M. Watt صاحب سیره معروف محمد (ص) در مکه و محمد (ص) در مدینه این اثر را بازنگاری و بازننگاری کرده است. ترجمه این اثر ۱۱ فصلی، به صورت فصل به فصل از شماره اول تا

ترجمه پژوهی قرآنی ۱۰۹ □

یازدهم نشریه ترجمه پژوهی قرآنی (ترجمان وحی) که به واقع اثری علمی و آکادمیک است و از برجسته‌ترین نشریات قرآنی در ایران و جهان اسلام از سوی مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی (قم) منتشر شده و در سال ۸۳ با تغییر لازمی در نام با عنوان در آمدی بر تاریخ قرآن از سوی همان مرکز در شکل مطلوبی چاپ و منتشر شد.

۱۰) بررسی توصیفی و انتقادی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم. این جانب در حدود ۱۰ ترجمه فارسی قرآن را ویرایش کرده و بر حدود ۵۰ ترجمه فارسی قرآن (که چند تایی هم نقد و بررسی ترجمه‌های انگلیسی است) نقد و بررسی نوشته‌ام که هر یک بین ۱۰ تا ۳۰ صفحه دستنویس است و شاید در نهایت میانگین چاپی هر یک ۱۵ صفحه باشد. چهل فقره از این نقدها که از ترجمه بصیرالملک شیبانی (اوان مشروطیت) آغاز می‌شود و به ترجمه شیوای استاد دکتر سید علی موسوی گرمارودی ختم می‌شود، تحت عنوانی که یاد شد، در همان «مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی» زیر چاپ است.

۱۱) ترجمه پژوهی قرآن (کتاب حاضر) که بر مبنا و در واقع ترجمه همراه با تعلیقات کتاب حسین عبدالرؤف است که نام انگلیسی اش چنین است:

Qur'an Translation: Discourse, Texture, and Exegesis, By Hossein Abdul-Raof, (Richmond, Curzon, 2001. xiv+197pp.).

و بنده عناوین فرعی را حذف و بلکه همان کلمه «پژوهی» را جانشین آن کرده‌ام. نیز بیفزایم که در آستانه شصت سالگی، احساس می‌کنم این کار آخرین اثر قرآن پژوهانه کتابی من است، اگر چه به توفیق الهی امیدوارم که به نوشتن مقالاتی چند تا اذواقعت الواقعه (به تعبیر حافظ: روز واقعه) ادامه دهم. یک فقره به نگارش ۱۲۰۰ مقاله کوتاه قرآنی برای دانشنامه جدید التاسیسی به نام دانشگستر مشغولم که روبه پایان دارد.

به مدلول *عرفت الله بفسخ العزائم و نقض الهمم*، با دیدن کتاب جاندار و جوهردار و پرپیمان استاد عبدالرؤف، رأیم از تألیف کتابی در همین موضوع عوض شد. دیدم: جانا سخن از زبان ما می‌گوید و در حدود یکهزار مثال قرآنی با رهیافتی کاملاً علمی و تجربی دارد. دیگر ضرورت ندارد که فهرست‌وار برشمارم که می‌خواستم از چه مسائلی در کاروبار ترجمه قرآن سخن بگویم، زیرا با دیدن این کتاب دیدم کمتر موضوعی از آنچه اندیشیده‌ام هست که در آن نباشد و دیدم حکم «كُلُّ الصید فی جوف الفراء» دارد.

در پایان دریغ است که این همه در معرفی خود (که به واقع مرا طبع از این نوع خواهان نبود) نوشته‌ام، و دریغ است اگر معرفی نامه کوتاه درباره مؤلف را قبل از آوردن پیشگفتار و مقدمه او نیاورم. درباره مؤلف این کتاب، در پشت لفاف جلد فقط به کوتاهی آمده است که دانشیار زبان عربی و تحقیقات قرآنی در بخش عربی و مطالعات خاورمیانه دانشگاه لیدز Leeds است. در این کتاب مسائل [نظری و علمی] ترجمه‌ای قرآن در هیئت بررسی‌هایی از منظر دستور زبان، مباحث معناشناختی، آواشناختی، وزن و عروض، کاربرد عملی و ویژگیهای بلاغی و زیبایی شناختی منحصر به فرد قرآن، به میان آمده است.

نگفته پیداست که با مدیریت دانشمند و قرآن شناس مرکز، حضرت حجة الاسلام والمسلمین استاد محمد نقدی قرار گذاشته‌ایم که در مورد این کتاب هم مانند در آمدی بر تاریخ قرآن عمل کنیم. یعنی ابتدا بخشهایی را ولو یک فصل کامل نباشد و بخشی از فصل باشد، با توجه به مفصل معنایی، تقطیع و انتخاب می‌کنیم که به صورت شماره به شماره در ترجمان وحی، به عنایت الهی چاپ شود، و سپس که ان شاء الله به پایان رسید به هیئت کتاب درآید. سخن آخر اینکه افزودن ترجمه‌های فارسی آیات و عبارات قرآنی از مترجم است. نیز هر جا که لازم باشد تعلیقات مورد نیاز از سوی مترجم بر اثر اضافه خواهد شد. و اگر توفیق و فرصت باشد، شاید یک تکمله به نام «مسائل و مشکلات ترجمه فارسی قرآن» نیز بر کتاب افزوده گردد. و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب.

پیشگفتار مؤلف

قرآن کریم یکی از پر خواننده‌ترین متون در سراسر جهان است، که روزمره قرائت می‌شود. چه متن / نص عربی اصلی آن، چه ترجمه‌هایش به هر زبانی، متن خواندنی روزانه میلیونها مسلمان است. مع الوصف هنوز کتابی تحقیقی در دسترس خوانندگان، اعم از عرب [زبان] و غیر عرب موجود نیست که رهیافت و رویکرد [ونگاهی از درون] از جنبه زبانشناختی و بلاغی به متن پژوهی قرآنی داشته باشد.

به این سبب، نیاز مبرمی به کتابی در متن پژوهی قرآن، که نه فقط روشنگر مسائل ترجمه‌ای قرآن، بلکه همچنین دارای گزارشی از منظر دستور زبان، معناشناسی، آواشناسی، عروض [/ آهنگ و ایقاعات] کاربرد و تأثیر عملی و ویژگیهای بلاغی آن باشد وجود دارد.

ترجمه پژوهی قرآنی ۱۱۱ □

همچنین، چنین کتابی می‌باید به خواننده نشان دهد که در متن پژوهی خاص قرآن، که آن را از سایر انواع متن پژوهی‌ها متفاوت می‌گرداند، چه خصوصیت [بی‌همتایی] هست. کتاب حاضر به قصد پاسخگویی به این نیاز مبرم نوشته شده است.

هدف این کتاب به دست دادن و طرح مبحثی است از نظریه ترجمه [یا همان ترجمه - پژوهی] و خدمت عملی آن به ترجمه قرآن [به زبانهای گوناگون]. آرزوی من این است که کتاب حاضر مرجعی برای مطالعات کاربردی ترجمه عموماً، و برای ترجمه قرآن خصوصاً باشد. امثله و شواهد مفصل که از قرآن نقل شده، بحث در مشکلات ترجمه و ویژگیهای زبانشناختی آنها در طی مباحث شوق‌انگیزی عرضه شده که سرانجام خواننده قرآن را در فهم و تحسین زبان بی‌همتای قرآن توانا تر سازد. این مبحث باید هم متخصصان و هم مبتدیان ترجمه را با ماهیت پیچیده متن پژوهی قرآنی، به عنوان یک مقوله و مبحث خاص [= ژانر] و حساس و نیز با پیش - نمون‌های زبانی و بلاغی آن آشنا سازد.

کتاب حاضر برای اسلام‌شناسان نیز می‌تواند مطلوب باشد. به عنوان نمونه، مبحث متن پژوهی قرآنی و بخشهای مربوط به تفسیر قرآن و مسائل تفسیر پژوهی، ارزش ویژه‌ای برای آنها دارد.

این کتاب به سه حوزه اصلی می‌پردازد: ترجمه عملی [صناعت ترجمه]، زبانشناسی و اسلام / قرآن پژوهی.

فصل اول به نظریه‌های ترجمه و این مسئله می‌پردازد که چگونه مفهوم بنیادین «معادل یابی» در صنعت ترجمه، بالصراحه در اغلب بخشهای متن پژوهی قرآنی، دسترس‌ناپذیر و برنیامدنی است. به دنبال آن دو فصل به میان آمده که به خواننده نشان می‌دهد که ماهیت بغرنج حساسیت حوزه مقال [/ گفتمان] قرآن، از نظر ویژگیهای زبانشناسی و بلاغی سرمشق [پیش‌نمون] وارش از چه قرار است، و همین امر آرا و انظار مؤلف را که در فصل اول از دسترس‌ناپذیری معادلهای مناسب [و همسنگ و هم ارز] به میان آورده، تأیید می‌کند. از همین جاست که اصولاً ترجمه [صناعت ترجمه به هر زبانی خواه و ناخواه] در حق متن منبع، یعنی قرآن که کلام الله است، جفا روا می‌دارد.

فصل سوم به این قصد طرح ریزی شده که به ویژگیهای مهم بافت و ساخت قرآن که ترجمه‌اش را دشوار می‌سازد بیشتر بپردازد، تا معلوم بدارد چرا امکان دستیابی به معادلهای

مناسب، نامحتمل است. در این فصل به روشنی از این نکته بحث می‌شود که ساخت و بافت [معادلها] صرفاً یک یک ویژگی «قرآن - بیناد» است که در راه ترجمه‌پذیری متن مقدس منبع، محدودیت‌هایی به بار می‌آورد. همچنین نشان می‌دهد که چگونه اغلب فحواهای بلاغی، زبان‌شناختی و موسیقایی و / یا بافتار معنی - مدار متن، باری به هر جهت سعی شده در ترجمه مدخلیت یابد تا به عنوان پیش زمینه یا پیش شرطی برای ترجمه یا رساندن همان هنجارهای زبان‌شناختی، بلاغی و / یا اجتماعی - فرهنگی زبان مقصد باشد.

فصل چهارم پیشنهادی است برای ترجمه قرآن. به علت همین ماهیت زبانی و ساختاری قرآن است که تنها راه برای به سلامت رساندن امانت، یعنی نقل زبان و پیام مقصود از مبدأ به مقصد، پناه جستن در ترجمه تفسیری یا توضیح‌آمیز است؛ یعنی کاربرد پی‌نوشتها [ی درون‌متنی یا درپای صفحات ترجمه] یا افزایش توضیحات تفسیری برای روشن ساختن هر نقطه خاص [و مبهم] در متن منبع. این شیوه پی‌نوشت نویسی عملاً مورد تأیید گروه کثیری از صاحب نظران ترجمه / ترجمه پژوهان و بعضی مترجمان قرآن گرفته است. این فصل همچنین مواردی از نص مقدس قرآن را مطرح می‌سازد که باید برای روشن سازی آنها پی‌نوشت‌های پر اطلاع تکمیلی نگاشت.

این کتاب، به هر روی، این قصد را ندارد که چاره‌ای برای زدودن اشتباهات و بی‌دقتی‌های موجود در ترجمه‌های قرآن عرضه بدارد. قصد ما این نبوده است که این کتاب کیفیت سنج ترجمه‌ها باشد [ولو بتواند برای آن هدف نیز به کار گرفته شود - م].

کتاب دارای کتابشناسی تفصیلی در حوزه‌های عمده ترجمه پژوهی [= نظریه ترجمه] و زبان‌شناسی نظری و عمدتاً اهم تفسیرها و آثار قرآن پژوهی اسلامی است. [و به آنها با اشاره به تاریخ نشر آنها استناد شده و کتابشناسی الفبایی سراسری که پس از ذکر نام مؤلف به خط لاتین و حرف نویسی یا دگر نویسی کتابهای عربی به همان خط - در عین حفظ زبان عنوان - بلافاصله دارای تاریخ نشر است که این شیوه یافتن مستندات را آسان می‌سازد - م].

مقدمه مؤلف

ترجمه معانی قرآن یک خدمت عظیم انسانی در بهره‌رسانی متقابل بین فرهنگهاست و خیرخواهی بی‌مانندی در حق بشریت است. چنین ترجمه‌ای را نباید جان‌نشین سازی متن

ترجمه پژوهی قرآنی ۱۱۳ □

اصلی عربی قرآن [با زبان دیگری] انگاشت، زیرا نمی‌توانیم علی‌رغم دقیق بودن و حرفه‌ای بودن تلاشهای مترجم در زبان، فی‌المثل قرآنی به لاتین داشته باشیم. تعبیر قرآن و ساخت و بافت آن، قرآن - بنیاد [درهم تنیده با قرآن] است و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای پایاپای بر وفق ساختار یا تأثیر روحانی که بر خواننده می‌گذارد و التفات و توجه عمیقی که [نسبت به معانی و مخاطب] در متن اصلی هست درآورد. بی‌دقتی‌ها و تحریف محتوای عاطفی قرآنی، همواره فرآورد ناخواسته هرگونه ترجمه‌ای است. «ترجمه» قرآن همواره رؤیایی دست‌نیافتنی است، چرا که کلام الهی را نمی‌توان با کلام انسانی جانشین‌سازی و نظیره‌گویی کرد. باری، تاکنون و امروزه هیچ پژوهشی که پروای مسئله ترجمه‌ناپذیری قرآن را از نظرگاه زبانشناختی و ترجمه‌پژوهی عملی داشته باشد، در دست نداریم.^۱ به مسئله ترجمه‌ناپذیری از نظرگاه کلامی (الهیات) و تاریخی نیز پرداخته شده است. باید [عجالتاً] پاسخی در این باب که چه چیز قرآن را متنی ترجمه‌ناپذیر می‌سازد به خوانندگان عرضه شود. برای این کار نیازمندیم که تنگناهای زبانی و بلاغی‌ای را که مانعی بر سر راه ترجمه و مترجم قرآن است توضیح دهیم. هدف این کتاب تأمین و تدوین پاسخی به این مسئله حساس و پیچیده است. برای برآوردن نیاز عاجل خوانندگان کنجکاو، این تحقیق همه‌جا همراه با امثله و شواهد فراوان است. حدود ترجمه‌پذیری قرآن به نحوی سراسری با مثالهای فراوان نمایانده شده است. این حدود و حوزه‌ها عبارتند از: سبک، سازوکار تأکید نهفته در سبک، نظم و آژگان، خلأهای فرهنگی (که فقدان معادل به بار می‌آورد)، مسئله ترجمه لفظ به لفظ یا تحت‌اللفظی، مسائل ناشی از ابهام نحوی [دستور زبانی] و معنایی، تعبیرات و بیانهای عاطفی و خطابی قرآنی، اختلاف نظر در میان مترجمان قرآن، تجزیه و تحلیل‌های مختلف تفسیری، معضل

۱. طبیعی است که با کمبود و گسستگی ارتباطات و اطلاع‌رسانی فرهنگی، مؤلف محترم از کتاب مهمی که درست در همین زمینه، در ایران به انگلیسی نوشته شده و در سال ۱۹۹۶ م (۱۳۷۴) از سوی دانشگاه امام حسین (ع) انتشار یافته بی‌اطلاع باشد. این کتاب نوشته شادروان مجید صالحی، قاری و قرآن‌شناس باریک اندیش و شیوا نویسنده ایرانی است، که شرح حال و زندگی و آثارش و همین کتاب در ذیل دو مقاله «ترجمه (نا) پذیر قرآن» و «صالحی، مجید» در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی به کوشش ب. خرمشاهی، منتشر شده است. مشخصات کتاب اصلی چنین است:

A Linguistic Approach Towards the Quran: Literary Patterns (Un)translatabilities. By Majeed Salehy (Tehran, Imam Hossein University Press, 1996) 304pp.

چکیده کاملی از همه محتویات کتاب در دو مقاله یاد شده بالا به همین قلم آمده، نیز سوگنامه‌ای درباره او در شماره سوم همین نشریه. م.

صیغه‌های صرفی، درهم تنیدگی معنایی - نحوی، نقش معنایی موصولات، تأثیرات معنایی - سبکی، ویژگی‌هایی آوایی - موسیقایی [/ عروضی] و مهم‌تر از همه گرفتاریهایی که معضلات زبانی - بلاغی ویژه و نهفته در بافت [نثر] قرآن به بار می‌آورد.

در این کتاب، ترجمه قرآن از یک لحاظ همچون زمینه آموزشی برای تحقق نظریه ترجمه، و برای [افزایش] تاب و توان انسانی در پذیرفتن چالش ترجمه کردن معانی کلام الهی برای مردمانی که زبانهای مختلف دارند، عرضه شده است. پیش - نهاده [= تز] عمده این کتاب این است که زیبایی زبان و سبک قرآن - بنیاد [/ پیوسته با قرآن] فراتر از توانش انسان برای بازآفرینی قرآن در هیئت ترجمه است. یک بازگفت تقریبی و ساده زبان، معانی و سبک قرآن، ممکن است غیر عربی‌زبانان را نایل به فهم پیام قرآن بگرداند. مترجمان قرآن، چه مسلمان چه غیر مسلمان به بی‌همتایی ماهیت زبانی مقال قرآنی و حد و مرزهای قاطع ترجمه‌پذیری آن اذعان کرده‌اند؛ و هیچ یک از آنان ادعا نکرده‌اند که ترجمه‌شان [یا ترجمه دیگران] معیارین و همسنگ قرآن است.

مترجم قرآن نه فقط به مهارت زبانی صحیح و سالمی در هر دو زبان عربی و انگلیسی [یا زبانهای دیگر ترجمه] نیاز دارد، بلکه به دانش پیشرفته‌ای در نحو و دستور زبان و علوم بلاغت نیز نیازمند است تا بتواند حسن و هنر تعبیرات زبانی و بلاغی ساختارهای قرآنی را دریابد. مهم‌تر از آن نیازمند به مراجعه و مقابله تفسیرهای عمده قرآن است تا معنای نهفته در هر شیوه بیان و تعبیر ساده و حتی یک حرف را [که اغلب حروف در قرآن معنای چندگانه دارد] دریابد و [در ترجمه خود] عرضه بدارد.

کتاب حاضر بر نیاز مبرم به ترجمه قرآن تأکید می‌ورزد. از این روی، به نحوی تدوین شده که با عرضه اهم مسائل و مشکلاتی که مترجمان با آنها مواجه می‌شوند، در حکم [کتاب] راهنمایی برای مترجمان قرآن باشد. همچنین چاره‌هایی برای حل بعضی معضلات قرآنی به دست می‌دهد؛ چرا که فاصله بین نظریه و عملکرد ترجمه همچنان پرناسدنی باقی می‌ماند، و هرآنچه در ترجمه به یک زبان راهکار می‌نماید، قابل اطلاق و تعمیم به زبان دیگر نیست. ثانیاً به نظر من مادام که و هر آنجا که تعبیرات قرآنی، همچنین ویژگیهای زبانی - بلاغی [/ ادبی] همچنان قرآن - بنیاد باشند، هیچ چاره نظری یا عملی در حل معضلات ترجمه ممکن نیست و جفت و جور آوردن متکلفانه آنها به زبان مقصد [= زبان ترجمه] صرفاً از

ترجمه پژوهی قرآنی ۱۱۵ □

شکل انداختن و مثلثه کردن شاکله زبانی متن مرجع / اصلی است؛ فی المثل یک خوش آوایی، فدای معنی می‌شود، حال آنکه در قرآن آوا و معنی، به شیوه‌ای جدایی‌ناپذیر درهم تنیده‌اند. با این نظر موافقم که ترجمه صلاح اندیشانه از سطح [رویه سطحی و ظاهری] معانی قرآن، و عرضه الگوهای زبانی - ادبی مناسب برای زبان مقصد، راهبردهای ممکن برای مقاصد چون برقراری ارتباط را تأمین می‌کند و کارایی دارد. آنچه اهمیت دارد این است که خواننده زبان مقصد [/ ترجمه] باخبر باشد که آنچه می‌خواند صرفاً نقل به معنی، یا تقریب معنایی خام‌دستانه قرآن است. خواننده ترجمه باید از این واقعیت آگاه باشد که ترجمه قرآنی که می‌خواند، صرفاً وسیله‌ای مدد رسان است که او را به خواندن و فهمیدن بعدی قرآن [در زبان اصلی] یاری کند، ولی جانشین متن اصلی نیست.

اصل ترجمه ناپذیری قرآن به مدد امثله و شواهد قرآنی از نظر زبانی - ادبی [/ بلاغی] در سطوح خرد و بزرگ توضیح داده و تأکید شده است. بعضی مسائل باریک زبانی و مجموعه‌های پیچیده ادبی / بلاغی همچنان در مقابل ترجمه مقاوم‌اند. این باریکناهای نهفته در متن، به مدد هیچ راهبرد ترجمه، چه واژه پژوهانه باشد، چه صلاح عملی، فراچنگ نمی‌آید.

هدف این کتاب این است که تعدادی از اصول را نمونه‌وار مطرح و [به مدد شواهد] تحکیم کند، که یکی از آنها مفهوم فقدان معادل مناسب و پایاپای است که البته فرآورد فرعی هر گونه عمل ترجمه، به ویژه بین دو زبان فاصله‌دار از هم نظیر عربی و انگلیسی است. برای هرچه کاستن از فاصله ارتباط بین زبانها، پی‌نوشت حاشیه‌ای در ترجمه قرآن پیشنهاد می‌شود که مه‌آلودگی زبانی را می‌کاهد و هر ابهامی را کاهش می‌دهد. بحث از ترجمه‌های مختلف بعضی معضلات زبانی، ادبی یا فرهنگی به معنای کوششی در راه ارزیابی کیفیت ترجمه نیست، بلکه برای این منظور است که از محدودیت‌های پرشمار ترجمه‌پذیری قرآن پرده بردارد و نشان بدهد که با طرح و ترکیب، سبک، شور و احساس و تأثیر عرفانی و غیره چگونه باید مواجه شد.

این کتاب، ابتدا ترجمه‌پذیری قرآن را با درج مباحث برجسته‌آرا و انظار مختلف نظریه‌پردازان [/ ترجمه پژوهان] در باب مفهوم معادل‌یابی و اینکه آیا چنین مسئله‌ای در میان زبانهای دیگر هم وجود دارد یا نه، بررسی می‌کند. بحث فصل اول تا ترجمه سبئینی [/ هفتاد

نفری] از کتاب مقدس - که ترجمه کتاب مقدس از عبری به یونانی بوده است و تاریخچه آن، و نیز ملاحظه رهیافت‌هایی که در ترجمه کتاب مقدس در کشورهای مختلف پیش گرفته‌اند - پیش می‌رود. سپس ترجمه قرآن با نگاهی تاریخی بررسی شده و به دنبال آن مبحث جذاب مسائل مواجه با مترجم قرآن، به میان می‌آید. بحث ما تا بحث‌انگیزترین و اختلافی‌ترین موارد ادامه دارد، یعنی همان ترجمه پذیری قرآن. در طی سه دهه اخیر یا بیشتر، برنامه‌ای ریخته‌ام که کل قرآن را بیش از پنجاه بار خوانده‌ام. نظرگاه مطالعه من اخیراً معطوف به قرائت قرآن به خاطر تجزیه و تحلیل زبانی - ادبی شده است. معمولاً از ساختارهای قرآنی که روشنگر یا طرح‌کننده ویژگیهای زبانی و سبکی است، یادداشت برداشته‌ام. همچنین از تجربه خود به عنوان مترجم و معلم ترجمه استفاده کرده و به امثله و شواهد قرآنی از نظرگاه زبانی و زبانشناسی و صناعت ترجمه نگریسته‌ام. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های قرآنی‌ای که در طی دو سال اخیر گردآورده‌ام، در مقابله با تعدادی از ترجمه‌های برجسته [انگلیسی] قرآن، به محک آزمون خورده است. سرانجام به نتیجه‌ای مستقل مبتنی بر ترجمه‌پژوهی و تحلیل زبانشناختی رسیده‌ام که مقال قرآنی تقلید ناپذیر است و بالاتر از آن است که قابل بازآفرینی در زبان مقصد باشد. این قول در بخش ۳-۵-۱ طی بحثی مفصل که مؤیدات بسیاری از نمونه‌های قرآنی دارد، به تحقیق و تأیید پیوسته است. فصل اول با یک بحث موجز در باب قرآن، سوره یعنی واحد فصل یا بخش در قرآن، و آیه یعنی نسج و ساختار قرآن، و یک بخش نهایی جذاب درباره «تکرار» بعضی تعبیرات قرآن پایان می‌پذیرد. فصل دوم، ویژگیهای پیش‌نمون‌وار زبانی، آوایی، موسیقایی و ادبی / خطابی مقال قرآن را معرفی می‌نماید. در فصل سوم، تمرکز بر بافت قرآنی و نظام بی‌همتای انسجام و مؤلفه‌های بافتاری به کاررفته در مقال قرآن است. در اینجا عناصر بافتاری ادبی و زبانی فهرست‌وار یاد شده و در بحث از هر یک امثله و شواهدی به میان آمده است.

نظام پیوسته یا انسجام قرآن در مقابل محدودیتهای ترجمه‌پذیری، آزمون شده است. در فصل چهارم پیش - نهاده اصلی نیاز به زدودن مه‌آلودگی زبانی به مدد پی‌نوشت‌های حاشیه است که ارزش ارتباطیابی و اطلاع‌رسانی بسیاری برای خواننده زبان مقصد [ترجمه] دارد. در این مبحث چهارده مورد مطرح شده که همه نیاز به پی‌نوشت را آشکار می‌سازند، که متن مرجع [مبدأ = اصلی] را مفهوم‌تر و اطلاع‌رسان‌تر می‌سازد؛ سه مورد دیگر که نیاز به امداد

□ ترجمه پژوهی قرآنی ۱۱۷

توضیحی در حاشیه دارد به مترجمان قرآن توصیه شده است. این فصل با بحثی از تفسیر و تفاسیر به پایان می‌رسد.

این کتاب کوششی است در جهت نمایاندن این نکته و مفهوم سازی مقال قرآن در پرتو نظریه‌های زبانشناختی و ترجمان عربی و غربی. امیدوارم این کوشش مفید واقع شود، و به هدف مقصود خویش نایل گردد.

